
عبدالله بن ابی رافع و کتاب السنن و الاحکام و القضا^۱

محمد کاظم رحمتی*

◀ چکیده:

در میان تألیفات کهن امامی، کتاب *السنن و الاحکام و القضا* نوشته عبدالله بن ابی رافع، اثر شناخته شده‌ای بوده، و متن کتاب به صورت مستقل تا قرن چهارم و شاید قرن پنجم وجود داشته است؛ با این حال، در جوامع حدیثی موجود امامیه، خاصه کتب اربعه، روایتی از کتاب مذکور نقل نشده و در دیگر کتاب‌های حدیثی امامیه نیز تنها سه روایت که در طریق آن‌ها نام عبدالله آمده، نقل شده است. در نوشتار حاضر، استدلال شده که احتمالاً کتاب وی به واقع، همان کتاب *السنن و الاحکام و القضا*ی محمد بن قیس بجلي (متوفی ۱۵۱) است، که متن عرضه شده کتاب ابن ابی رافع بر امام باقر علیه السلام و افزوده‌هایی به روایت ایشان بر کتاب مذکور توسط محمد بن قیس بجلي بوده است.

◀ کلیدواژه‌ها:

عبدالله بن ابی رافع، محمد بن قیس بجلي، کتاب *السنن و الاحکام و القضا*.

مقدمه: عالمان امامیه و مسئله وثاقت احادیث

همگام با سنت تدوین احادیث، محدثان و عالمان امامی، با مسئله بررسی اعتبار احادیث تدوین شده و یا نسخه‌های مختلف برخی آثار مواجه بوده‌اند. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰) در مواردی به این گونه نسخه‌ها که تحریرهای آن‌ها با یکدیگر تفاوت داشته با عبارت «له کتاب تختلف الرواة عنه» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۰ و ۳۶۰) و گاه تنها به تفاوت نسخه‌های کتاب مانند «و کتابه تختلف / يختلف الروایة له» (همان، ص ۵۲)، «کتاب تختلف / يختلف روایاته» (همان، ص ۵۲)، «له کتاب یرویه جماعة يختلف بروایاتهم» (همان، ص ۲۰۷)، و یا در توصیف نوادر محمد بن ابی عمیر (متوفی ۲۱۷): «فاما نوادره فهی کثیرة، لأن الرواة لها کثیرة فهی تختلف باختلافهم...» (همان، ص ۳۲۷) اشاره کرده است. ابن نوح، استاد نجاشی در اشاره به نسخه‌های مختلف کتاب حسین بن سعید که طرق مختلف و متن‌های بسیار مختلفی داشته، متذکر شده که لازم است تا هر نسخه جداگانه روایت شود تا تحریرهای مختلف کتاب با یکدیگر در آمیخته نشود (قال ابن نوح: ... فیجب أن تروی عن کل نسخة من هذا بما رواه صاحبها فقط، و لا تحمل روایة علی روایة و لا نسخة علی نسخة، لئلا یقع فیه اختلاف). (همان، ص ۶۰) به واقع، عالمان امامی به جای بررسی وثاقت تک تک احادیث، به نسخه‌های آثار و راوی آن‌ها توجه خاصی داشته‌اند؛ هر چند وضعیت مذکور تفاوت‌هایی نیز در مراکز مختلف شیعی داشته است؛ برای مثال، محدثان قمی، خاصه مشایخ شیخ صدوق حساسیت خاصی به عالمان واقفی داشته‌اند و آثار حدیثی تدوین شده در عراق را به اسناد واقفی روایت نمی‌کرده‌اند، در حالی که محدثان عراقی روابط گسترده‌ای با عالمان واقفی داشته‌اند.^۲

شیوه فهرستی این گونه بوده که برخی از عالمان امامی که طرق روایت آثار نیز به آن‌ها منتهی می‌شود، آثاری به نام «فهرست» که در آن به ذکر مرویات خود و طرق روایت مکتوبات حدیثی پرداخته بودند، تألیف کرده‌اند و در آن فهرست‌ها، طریق روایت آثار در روایت خود را ذکر کرده‌اند. به واقع، تحریرها و نسخه‌هایی که در فهرس مذکور یاد می‌شده، معتبرترین تحریر از تألیفات حدیثی بوده، و طریق مذکور نیز

عبدالله بن ابی‌رافع و کتاب السنن والاحکام والقضایا □ ۱۰۷

معتبرترین طریق روایت آثار مذکور.^۳ همچنین بر اساس برخی شواهد موجود، روایان آثار نیز تنها راویانگ صرف نبوده، و گاه برخی از نسخه‌هایی راویان، خاصه کسانی که شاگرد راوی نسخه بوده‌اند، از دیگر نسخه‌ها تفاوت داشته است. نمونه‌ای از این دست، کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی است. نسخه‌ای از کتاب الحج وی، در اختیار ابن بَطَّه قمی بوده که در فهرست خود از آن نام برده است. (همان، ص ۴۱)

نکات مورد اشاره درباره برخی از آثار امامی به نحو مستدل قابل ارائه است؛ برای مثال، یکی از تحریرهای مشهور نسخه‌های کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی، به روایت و تهذیب ابن ابی عمیر بوده است. (ر.ک: آل مکباس، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۸-۲۶۴) بخش اعظم کتاب الحج معاویة در دست است، و بیش از سیصد روایت آن در منابع بعدی امامیه نقل شده (برای فهرست این روایات ر.ک: Modarresi, 2003, v.1, p. 327-329) که برخی روایات کتاب مفصل و در حد چندین صفحه است. (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۸) دیگر نسخه متداول کتاب الحج معاویة بن عمار، نسخه صفوان بن یحیی بوده است که ظاهراً تفاوت چندانی با نسخه ابن ابی عمیر نداشته است؛ هرچند مشتمل بر احادیثی بوده که در نسخه ابن ابی عمیر آن احادیث ذکر نشده است. (ر.ک: آل مکباس، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۱-۲۴۵) شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۴۶۳) کتاب الحج معاویة را به طریق فهرست ابن ولید قمی نقل کرده است که مشتمل بر طریق ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی بوده است. کلینی، نسخه ابن ابی عمیر را به روایت علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر در اختیار داشته، و عموماً از آن نقل قول کرده است. (ر.ک: خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۴۳۰-۴۳۲) همچنین کلینی، نسخه کتاب الحج معاویة به روایت صفوان بن یحیی را به طریق محمد بن اسماعیل از فضل بن شاذان در اختیار داشته، و عموماً روایات خود را به صورت ترکیب دو طریق ذکر کرده است. (ر.ک: همان، ج ۱۸، ص ۴۳۶ و ۴۳۷)^۴

تحریرهای دیگر نیز از کتاب الحج معاویة بن عمار در میان اصحاب متداول بوده، و روایاتی از آنها نقل شده است. (ر.ک: آل مکباس، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳۵-۲۴۰، ۲۳۸-۲۴۱، ۲۴۶-۲۴۸ و ۲۶۴-۲۶۵) نسخه‌ای از کتاب الحج معاویة بن عمار دهنی که در

اختیار احمد بن محمد بن خالد برقی بوده، به روایت یحیی بن ابراهیم از پدرش بوده که ظاهراً به دلیل در بر داشتن برخی روایات شاذ و گاه تشبیهی، نسخه‌ای متداول میان اصحاب نبوده است. (برای نمونه‌ای از روایات شاذ تحریر اخیر ر.ک: برقی، ۱۳۳۰ش، ج ۱، ص ۶۶-۶۵) از دیگر نسخه‌های متداول کتاب الحج معاویه، نسخه حماد بن عیسی و فضالة بن ایوب بوده است. (ر.ک: همان، ص ۲۳۸-۲۴۰ و ۲۴۸-۲۴۶) با این حال نسخه‌ها، طرق مختلفی در نقل داشته‌اند که توجه اصلی محدثان بعدی، نقل طریق‌های معتبرتر بوده است.^۵ به تعبیر دیگر، مبنای توثیق حدیث در میان قدمای امامیه علاوه بر توثیق راوی، توثیق کتاب و نسخه و روایت و تدوین آن نیز بوده است. طبعاً در کنار اعتبار داشتن مؤلف کتاب، اهمیت طرق اتصال به مؤلف نیز، ارزش و اعتبار فراوانی داشته است، و اینکه چه کسانی در طریق روایت کتاب بوده‌اند نیز به اعتبار کتاب می‌افزوده، همچنان‌که نسخه‌ای خاص در میان تحریرهای گاه متفاوت برخی آثار اعتبار ویژه‌ای می‌یافته است. با چنین مبنایی است که توجه جدی در میان امامیه در نگارش فهارس را شاهدیم، و این مطلب، علت ذکر توصیفات فهرستی فراوانی از نسخه‌های اولیه را در دو فهرست مهم باقی‌مانده امامیه یعنی فهرست شیخ طوسی و نجاشی نشان می‌دهد.

از عالمان امامی که می‌دانیم فهرستی از آثاری که در روایت خود تألیف کرده‌اند، می‌توان به سعد بن عبدالله اشعری قمی (متوفی ۲۹۹ یا ۳۰۱)^۶، حمید بن زیاد دهقان کوفی (متوفی ۳۱۰)^۷ که توجه اصلی او، روایت اصول کهن و اولیه امامیه بوده، محمد بن جعفر بن احمد بن بَطَّه قمی^۸ و احمد بن عبدالواحد مشهور به ابن عُبْدُون (متوفی ۴۲۳)^۹ اشاره کرد. نکته مهم حاصل رویکرد فهرستی، توجه به تحریرهای کتاب و نسخه‌های حدیثی بود، و گاه به نظر می‌رسید که اساساً به دلیل همین نوع نگاه، اثری مورد توجه قرار می‌گرفت، و برعکس اثری دیگر به دلیل عدم ذکر در میان فهارس از سنت روایی امامیه کنار نهاده می‌شده است. طریق روایت آثار نیز اهمیت فراوانی داشته است؛ گاه نسخه‌ای از یک کتاب که توسط یکی از اصحاب ائمه پیشین تدوین شده بود، توسط اصحاب ائمه بعدی در اختیار امام قرار می‌گرفت، و نسخه‌ای که امام اصلاح می‌کرد،

عبدالله بن ابی رافع و کتاب السنن والاحکام والقضایا □ ۱۰۹

جایگزین اثر پیشین می‌شد و به دلیل جایگاه محوری امام، طبیعی بود که در نسخه جدید، طریق روایت نسخه نیز تغییر می‌یافت، و نسخه به خود امامی که کتاب بر او عرضه شده بود، نسبت داده می‌شد. این مطلب را می‌توان درباره کتاب السنن والاحکام و القضایا عبدالله بن ابی رافع نشان داد، و علت عدم وجود روایت از کتاب مذکور را با سلسله اسنادی که نام عبدالله در آن باشد، توضیح داد.

عبدالله بن ابی رافع

عبدالله بن ابی رافع صحابی و کاتب علی علیه السلام، یکی از یاران مشهور آن حضرت است که در دوران حکومت ایشان، یکی از کارگزاران حکومتی بوده است. وی فرزند ابورافع، غلام آزاد شده و مولی پیامبر صلی الله علیه و آله و مادرش سلمی است و بر اساس همان سنت متداول در میان اعراب در ذکر پدران موالی، به دلیل مشخص نبودن تبار آنها، تنها نام پدرش در منابع ذکر شده است. (ر.ک: ابن سعد، ۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۳-۷۵ و ج ۸، ص ۲۲۷/ ابن قتیبه، ۱۹۸۱م، ص ۱۴۵) درباره تاریخ تولد او اطلاع مشخصی در منابع نیامده، و تنها بر اساس آنکه از همان آغاز خلافت امام علی علیه السلام به عنوان کاتب، همواره در خدمت آن حضرت بوده (ابن سعد، ۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۴ و ج ۵، ص ۲۸۲/ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۳۷۱/ طوسی، ۴۲۰ق، ص ۳۰۶ و ۳۰۷) و نامه‌های حضرت را کتابت می‌کرده (ابن شعبه حرّانی، ص ۱۷۶/ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵-۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۸۳ و ج ۶، ص ۵۹/ Modarresi, 2003, v.1, p. 25-26) حداقل سنی که برای انجام چنین کاری می‌توان تصور کرد، یعنی حدود بیست سال بوده، احتمالاً حوالی سال‌های پانزده یا کمی پیش از آن به دنیا آمده است.^{۱۰} همان گونه که گفته شد، ابورافع در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام نقش مهمی داشته و پیوسته همراه ایشان بوده و در نبردهای مختلف حضور داشته است. (خطیب بغدادی، ۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵) برقی (۱۳۴۲ش، ص ۴) نام او را در جمله اصحاب خواص حضرت امیر ذکر کرده، و به خطا او را مُصْرَی معرفی کرده، حال آنکه ابورافع در اصل، فردی قُبْطی بوده است مگر آنکه تعبیر مضرّی، تصحیفی از مصری باشد که به واسطه خطا در تصحیح کتاب برقی رخ داده باشد، و در

۱۱۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

متن اصلی کتاب برقی مصری که اشاره‌ای به اصل قبطنی ابورافع است، آمده باشد. (Modarresi, 2003, v.1, p. 22) وی پس از شهادت امام علی علیه السلام همچنان کاتب امام حسن علیه السلام باقی ماند، و پس از کناره‌گیری امام حسن علیه السلام از خلافت همراه با آن حضرت به مدینه بازگشت، و ظاهراً تا آخر عمر خود در مدینه باقی ماند، و به همین سبب به مدنی نیز شهرت یافت. (مزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۳۴) وی از پدرش، علی بن ابیطالب علیه السلام و ابوهریره، نقل حدیث کرده، و از او امام باقر علیه السلام و کسان دیگری سماع حدیث کرده‌اند. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵/ مزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۳۴-۳۵) او در منابع رجالی سنی و شیعه توثیق شده است. (برای نمونه ر.ک: ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۸۲/ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵/ مزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۹، ص ۳۵/ شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۶-۵۷)

برادر عبیدالله، علی، صاحب فرزندی به نام‌های عبدالله و حسن است که گاه شرح حال آن‌ها با فرزندان و نوادگان عبیدالله در هم آمیخته است. (برای شرح حال مختصری از خاندان ابورافع ر.ک: شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷۱-۳۷۲) علی نیز کاتب و عهده‌دار بیت‌المال حضرت نیز بوده (سید مرتضی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۹) و ماجرای مشهور امانت گرفتن جواهری از بیت‌المال توسط ام کلثوم، توسط او نقل شده است. (شیخ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵۱-۱۵۲/ شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳۰ و ج ۷، ص ۲۸۰ قس نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶ که خبر مذکور را به نقل از عبیدالله بن ابی‌رافع نقل کرده است.) خاندان ابورافع به دلیل روابط نزدیکی که با پیامبر صلی الله علیه و آله داشته‌اند، یکی از منابع مهم برای اطلاع از سیره ایشان بوده، و همواره مورد پرس و جوی دیگران بوده‌اند. (Modarresi, 2003, v.1, p. 22, no. 82) همچنین خاندان ابورافع به سبب ولای عتق، همواره خود را موالی پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او معرفی می‌کرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۸۲/ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۳۳۹/ شیخ طوسی^۳، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۷/ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵) و گرایش شیعی در میان آن‌ها مشهود است. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲/ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۵/ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵-۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۱۰۷)

کتاب السنن و الاحکام و القضاياى عبیدالله بن ابی رافع

شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۳۰۶) در ذیل شرح حال عبیدالله بن ابی رافع، از آثارش به کتابی با عنوان *قضايا امیر المؤمنین* اشاره کرده، و طریق خود را در روایت کتاب مذکور ذکر کرده است. نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶) عنوان کتاب را *السنن و الاحکام و القضايا* ذکر کرده و به تفصیل فراوانی از اثر اخیر سخن گفته است که خود نشان دهنده جایگاه کتاب در سنت روایی شیعیان به نحو عام است. دو عنوان متفاوت در معرفی اثر مذکور، این پرسش را به ذهن متبادر می کند که آیا دلیل خاصی وجود داشته که شیخ طوسی، عنوان کتاب را *القضايا* ذکر کرده و نجاشی عنوان تفصیلی تری آورده است؟ هر چند شیخ طوسی، آغاز کتاب را به صورت روشنی نقل نکرده، به نظر می رسد که متن مورد اشاره او، بخشی از همان متن مورد اشاره نجاشی باشد که به دلیل شهرت کتاب *القضايا* بخش مذکور به صورت جداگانه نیز روایت می شده، و مبنای اصلی نگارش چندین کتاب دیگر درباره قضاوت های امیر المؤمنین علیه السلام بوده است.^{۱۴} یک احتمال، آن است که ذکر عنوان کتاب به عنوان *کتاب القضايا* از باب شهرت یافتن بیشتر کتاب به نام اخیر که تنها ناظر به بخشی از کتاب بوده است، باشد. در هر حال کتاب، *القضايا* بخشی از همان کتاب *السنن و الاحکام و القضايا* است که نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶) به عنوان اثر تألیفی ابورافع یاد کرده است. گفتنی است که بخشی از سند روایت نجاشی در نقل کتاب مذکور با سند شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۳۰۶) یکسان است. کتاب با توصیفی درباره نماز پیامبر یا امیر المؤمنین علیه السلام آغاز می شده و آخرین فصل کتاب مربوط به قضاياى امیر المؤمنین علیه السلام بوده است.

نجاشی، آغاز کتاب را در یک تحریر متداول کتاب که به روایت ابن عقده (متوفی ۳۳۳) بوده، چنین نقل کرده است: «... عن علی بن ابیطالب علیه السلام أنه کان إذا صلی قال فی أول الصلاة ... و ذکر الكتاب إلى آخره باباً باباً الصلاة و الصیام و الحج و الزکاة و القضايا.» (۱۴۰۷ق، ص ۶) نجاشی اشاره کرده که کتاب مذکور، سلسله سند روایت دیگری داشته که آن نیز در میان اصحاب کوفی متداول بوده و طریق مذکور را آورده است (و روی هذه النسخة من الکوفیین أيضاً زید بن محمد بن جعفر بن المبارک يعرف

بابن ابی الیاس عن الحسین بن الحکم الحبری قال: حدثنا حسن بن حسین باسناده). نکته جالب توجه آن است که طریقی که نجاشی ذکر کرده، ظاهراً طریقی زیدی است. سوای آنکه طریق نجاشی به تحریر اخیر به صورت وجاده است و این مطلب، نشانگر آن است که محدثان امامیه به تحریر مذکور توجهی نداشته‌اند، نسخه مذکور به روایت زید بن محمد بن جعفر بن مبارک کوفی مشهور به ابن ابی الیاس (متوفی ۳۴۱)^{۱۵} است که کتاب را از حسین بن حکم جبری (متوفی ۲۸۱)، عالم و محدث نامور زیدی کوفه سماع کرده است. نجاشی به نقل از مشایخ خود (ذکر شیوخنا) اشاره دارد که تفاوت اندکی میان دو نسخه کوفی کتاب السنن وجود داشته؛ هر چند تحریر نخست که به تعبیر نسخه روایت شده ابوالعباس ابن عقده شناخته می‌شده، کامل‌تر بوده است. (همانجا)

اطلاعات نجاشی درباره ابورافع و فرزندانش کمی آشفته است و البته این اشکال ممکن است نه از سوی نجاشی، بلکه به واسطه اشکال در کتابت و استنساخ نسخه‌ای از فهرست نجاشی رخ داده باشد (شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۵۷)؛ هر چند به نظر می‌رسد اشکالات مذکور به واسطه منبع نجاشی، یعنی کتاب *التاریخ و ذکر من روی الحدیث* ابن عقده باشد که منبع اصلی نجاشی در نقل بخش اعظمی از مطالب درباره ابورافع و خاندان او بوده است. شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۶۸) از اثر اخیر با عنوان کمی متفاوت کتاب *التاریخ (و ذکر من روی الحدیث من الناس کلهم العامه و الشیعه و اخبارهم یاد کرده، و متذکر شده که ابن عقده، بخش مفصلی از کتاب مذکور را تألیف کرده، اما موفق به اتمام آن نشده است. نجاشی، اثر اخیر را به طریق متصل به ابن عقده در اختیار داشته، و شرح حال ابورافع و فرزندان او را با تصریح به نام از آن نقل کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۷-۴)^{۱۶} احتمالاً جایی که نجاشی (همان، ص ۶) از کتاب السنن به عنوان تألیف ابورافع سخن گفته، در اصل نسخه نجاشی، سخن از ابن ابی رافع بوده باشد، زیرا نجاشی پس از ذکر کتاب السنن و بیان طرق روایت آن، گفته و برای ابن ابی رافع کتاب دیگری نیز ذکر شده، که می‌تواند قرینه‌ای باشد که در قبل نیز وی در حقیقت کتاب ابن ابی رافع یعنی عبیدالله بن ابی رافع را معرفی کرده است (نیز ر.ک:*

عبيدالله بن ابى رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۱۳

شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ هرچند شوشتری (همان، ج ۷، ص ۲۷۹) معتقد است که معنای گفته نجاشی آن است که همان گونه که ابورافع کتابی داشته، فرزندش نیز کتابی داشته است. با این حال، این نکته نیز مسلم است که منبعی که نجاشی برای شرح حال عبيدالله از آن بهره برده، تصویر روشنی از عبيدالله نداشته، زیرا نجاشی به جای عبيدالله بن ابى رافع، على بن ابى رافع دیگر فرزند ابورافع را معرفی کرده، و او را کاتب حضرت معرفی کرده، و گفته که وی کتابی در فقه وضو، نماز و دیگر ابواب فقهی تدوین کرده که به وضوح توصیف دیگری از همان کتاب السنن است. (ر.ک: همان، ج ۷، ص ۵۷ و ۲۷۹-۲۸۰) ظاهراً آشفتگی های مذکور در اسناد کتاب السنن در همان دوران شایع بوده، و گاه کتاب عبيدالله به روایت وی و برادرش نیز محل استناد بوده است.^{۱۷}

نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶-۷) در ادامه مطالب خود درباره عبيدالله که به نقل از کتاب التاريخ ابن عقده است، طریق خود در روایت تحریر اخیر را که در میان علویان مدینه رواج داشته، و در میان کوفیان نیز شناخته شده بوده، نقل کرده است. آغاز نسخه مذکور نیز با توصیف نماز على عليه السلام با تفاوتی اندک از نسخه دیگر کتاب السنن که نجاشی معرفی کرده، آغاز می شده است.^{۱۸} سلسله سند مذکور، افتادگی نیز داشته (نیز حر عاملی، ۱۴۰۹-۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۴۹-۴۵۰ همین سلسله سند را نقل کرده، اما متذکر افتادگی آن نشده است) و ابومحمد عبدالرحمن بن محمد بن عبيدالله بن ابى رافع به خطا به عنوان کاتب على عليه السلام و راوی کتاب معرفی شده است. به واقع، او کتاب را از پدرش محمد بن عبيدالله از جدش عبيدالله بن ابى رافع روایت کرده است. (Modarresi, 2003, v.1, p. 28, no. 91) هرچند محتمل است که اشکال اخیر نیز بعدها و در استنساخ کتاب فهرست نجاشی رخ داده باشد. تحریری از کتاب السنن عبيدالله در میان علویان مدینه، خاصه علویان زیدی و سادات حسنی رواج داشته است.^{۱۹} روایت کتاب توسط عبدالله بن حسن که از چهره های برجسته سادات حسنی مدینه بوده، بر شهرت کتاب نیز افزوده است. علویان مدینه، کتاب عبيدالله را که مشتمل بر یک دوره فقه بوده است، به فرزندان خود تعلیم می داده اند. (نجاشی،

۴۰۷ (ق، ص ۷) عبدالله بن حسن، زمانی که فردی دربارهٔ تشهّد از او مطلبی پرسیده بود، برای پاسخ دادن به پرسش او گفته بود تا کتاب عبیدالله بن ابی رافع را نزدش بیاورند، و از روی آن کتاب پاسخ داده بود. عمر بن محمد بن عمر بن علی بن حسین، کتاب مذکور را به سلسله سند دیگری که نام عبیدالله بن ابی رافع در آن نیست، به طریقی به نقل از پدرانش به خود امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که از تحریر وی، دو نسخه در دست بوده که تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر در متن و سلسله سند داشته‌اند. روایت آغازین کتاب که در منابع اهل سنت به کرات نقل شده، با توصیف نماز پیامبر آغاز شده است. کتاب ابورافع در قرن چهارم و پنجم، ظاهراً به نام کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام شهرت داشته است.

کتاب عبیدالله بن ابی رافع در میان زیدیان (ر.ک: همان، ص ۷) و اسماعیلیان نیز شناخته شده بوده، و قاضی نعمان مغربی (متوفی ۳۶۳) از کتاب مذکور به عنوان یکی از منابع خود در تألیف کتاب الايضاح استفاده کرده است^{۲۰} و گاه به واسطهٔ آثاری که عالم زیدی، محمد بن سلّام بن سیّار کوفی روایت کرده، از کتاب مذکور نقل قول کرده است. همچنین عالم نامدار زیدی، ابوالعباس حسنی (متوفی ۳۵۶) نیز در کتاب شرح الاحکام (شرحی بر کتاب الاحکام فی الحلال و الحرام تألیف الهادی الی الحق، عالم و فقیه زیدی در گذشته به سال ۲۹۸) روایاتی از کتاب عبیدالله بن ابی رافع، که او متن آن را نزد ابوزید عیسی بن محمد علوی (متوفی ۳۲۲) عالم و محدّث نامور زیدی ساکن در ری خوانده است، به روایت حسین بن حکم جبری از حسن بن حسین غرنی از علی بن قاسم کنندی از محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی رافع از پدرش از جدش که همان طریق مذکور توسط نجاشی است، نقل کرده است.^{۲۱} بررسی مطالب مندرج در طرق روایت کتاب عبیدالله بن ابی رافع، نشان‌دهندهٔ نبود سلسله اسنادی است که نشانگر نقل از کتاب وی در سنت امامیه باشد، و این مطلب با توجه به شهرت کتاب، امر غریبی است.^{۲۲} پرسشی که اکنون قابل طرح است، آن است که چرا محدثان امامی، توجهی به نقل و روایت کتاب السنن و الاحکام و القضایای عبیدالله بن ابی رافع نداشته‌اند؟^{۲۳}

عبيدالله بن ابى رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۱۵

از محدثان مشهور امامی کوفه در قرن دوم، محمد بن قیس بَجَلی است. مطالب چندانی درباره سال‌های آغازین حیات وی دانسته نیست، تنها بر اساس آنکه گفته شده از امام باقر علیه السلام (متوفی ۱۱۴ یا ۱۱۷) نقل روایت کرده، تاریخ تولد او را می‌توان حدود سال‌های ۸۰ تا ۸۵ هجری دانست. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۳) وی از قبیله بجیله از تیره‌های قبیله هَمْدان است که پس از تأسیس کوفه در آن شهر سکنی گزیده بودند. سماع حدیث از امام باقر علیه السلام همچنین دلالت دارد که وی یک چندی در مدینه ساکن بوده است. از شهرت او به کوفی می‌توان دریافت که او اغلب عمر خود را در شهر کوفه به سر برده است. وی همچنین از امام صادق علیه السلام نیز نقل روایت کرده است. (همان، ص ۳۲۳) به نوشته شیخ طوسی (۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳) محمد بن قیس بَجَلی در سال ۱۵۱ درگذشته است. شیخ مفید (۱۴۱۴ق، ص ۹) او را از جمله فقهای اصحاب که هیچ طعنی درباره آن‌ها نقل نشده، یاد کرده است.

محمد بن قیس و کتاب القضاء او

شهرت اصلی او به دلیل نگارش کتابی با عنوان *قضايا امیر المؤمنین علیه السلام* بوده که در آن، وی اخبار مربوط به قضاوت‌های امیر المؤمنین علیه السلام را گردآوری کرده است. (Modarresi, v.1, p.346) تحریرهای مشهور کتاب او به روایت عاصم بن حُمَید حَنَاط، یوسف بن عقیل و فرزندش عبید بوده (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۳)، هر چند تحریر متداول‌تر میان محدثان امامی، تحریر عاصم بن حُمَید بوده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۸۷)^{۲۴} و در میان واقفیان کوفه تحریر اخیر روایت می‌شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۲۳) نجاشی (همان‌جا) طریق دیگری در روایت کتاب بَجَلی ذکر کرده که منتهی به عاصم است، اما در میان سلسله سند روایت، نامی از رجال واقفی نیست. تحریر کتاب به روایت عبید، در میان زیدیان کوفه نیز تداول داشته و عباد بن یعقوب رواجی (متوفی ۲۵۰) عالم و محدث نامور زیدی کوفه آن را روایت کرده است. طوسی در شرح حال عبید بن محمد بَجَلی گفته که عبید کتابی داشته که آن را از پدرش روایت می‌کرده است. در ادامه، طریق روایت خود به کتاب مذکور را ذکر کرده و آغاز آن را چنین نقل

کرده است: «... أخبرنا عبید بن محمد ابن قیس البجلی، عن أبيه، قال: عرضنا هذا الكتاب على أبي جعفر محمد ابن علی بن الحسين عليه السلام، فقال: هذا قول علی بن أبي طالب عليه السلام، إنه كان يقول: إذا صلى قال في أول الصلاة... و ذكر الكتاب.» (ص ۳۰۸-۳۰۹)

آغاز مذکور با آغاز کتاب قضایا امیرالمؤمنین علیه السلام عبیدالله بن ابی رافع یکی است. (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۶) مطالب اخیر دلالت دارد که کتابی که عبید روایت کرده، همان کتاب السنن و الاحکام و القضا یا امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. همچنین نشان دهنده آن است که محمد بن قیس، نسخه‌ای از کتاب عبیدالله بن ابی رافع را که در میان علویان مدینه شهرت فراوانی داشته (همان، ص ۷) و مورد تأیید امام باقر عليه السلام نیز قرار گرفته، اساس نگارش کتاب خود قرار داده، و احادیثی از امام باقر عليه السلام به نقل از امام علی عليه السلام را بر کتاب افزوده است. بعدها عبدالرحمن بن ابی نجران که خود یکی از روایان کتاب قضایا محمد بن قیس بوده، نیز مطالبی بر کتاب افزوده، و تحریری دیگر از همان کتاب را ارائه کرده بود (همان، ص ۲۳۵) که تحریر اخیر در میان روات قمی و بغدادی تداول داشته است. (همان، ص ۳۲۳) عباد بن یعقوب نیز در تألیف کتاب قضایا (برای نقل از کتاب مذکور رواجی ر.ک: مغربی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۱، ۳۲ و ۴۲) خود از کتاب محمد بن قیس به روایت فرزندش عبید بهره گرفته است (ر.ک: همان، ص ۴۲، ۹۰-۹۱، ۹۵، ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۴۳) و قاضی نعمان مغربی در تألیف کتاب الايضاح، مطالبی را از کتاب محمد بن قیس به واسطه کتاب قضایای رواجی نقل کرده است. (ر.ک: همان، ص ۴۲، ۹۰-۹۱، ۹۵، ۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۴۳)

روایات فراوانی از کتاب القضا یا محمد بن قیس بجلی در میان کتب حدیثی امامیه پراکنده است که عمدتاً به روایت عاصم بن حمید است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۴۴، ۲۰۶ و ۲۰۸-۲۰۷؛ ج ۷، ص ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۳ و ۳۰۷ ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹-۲۰) و بیشتر این نقل‌ها در کتاب مسند محمد بن قیس البجلی تألیف بشیر محمدی مازندارنی (قم: مرکز العالمی لدارسات الاسلامیه، ۱۴۰۹ق) آمده است.^{۲۵} نسخه‌ای از کتاب قضایا امیرالمؤمنین محمد بن قیس به روایت عبدالرحمن بن ابی نجران که مشتمل بر زیادات او بر کتاب بوده، توسط ابراهیم بن هاشم به قم برده

عبيدالله بن ابی رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۱۷

شده، و شيخ صدوق (۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۵۳۶-۵۳۷) اثر مذکور را با تصريح به نام آن به همین طريق از پدرش و محمد بن حسن بن وليد شيخ قميان و طريق آنها به ابراهيم ابن هاشم روايت کرده است. (ابن بابويه، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۷-۵۸۸)^{۲۶}

در صورتی که حدس اخير درست باشد، علت عدم توجه و نبود روايتی را که در سلسله سند آن نام عبيدالله بن ابی رافع آمده باشد، می توان دريافت و توضيح داد. در حقيقت از آنجا که تحريری تأييد شده از كتاب ابن ابی رافع توسط امام باقر (ع) توسط محمد بن قيس بجلی روايت شده، عالمان و محدثان امامی تحريری تدوين شده ابن ابی رافع را کنار نهاده، و تحريری بجلی را بر آن ترجيح داده اند. عدم ذکر نام عبيدالله در سلسله سند روايت اخير نیز کاملاً مشخص است، زیرا از نظر عالمان امامی، اتصال روايت كتاب مذکور به نقل از امام باقر (ع) است، و نیازی به اتصال سند به امام علی (ع) ندارد. مطلب اخير به وضوح، تأييد کننده این نظر است که عالمان و محدثان امامی به دليل نگرش فهرستی خود، از میان تحريریهای مختلف كتاب، تحريری را که معتبرتر بوده، انتخاب می کرده اند و مؤلفان فهرس نیز توجه مهمی به طريق و تحريریهای معتبر آثار روايتی داشته اند. نبود روايتی از كتاب السنن والاحكام والتضايای عبيدالله بن ابی رافع به احتمال قوی، متأثر از نگاه فهرستی عالمان امامی بوده است.^{۲۷}

نمونه ای ديگر از چنین رویکردی در میان اصحاب فهرس امامی، كتابی از محمد بن مسلم (متوفی ۱۵۰) است. در فهرس امامیه، كتابی با عنوان اربع مائة مسألة في أبواب الحلال والحرام به وی نسبت داده شده است. مدرسی طباطبائی در معرفي كتاب اربع مائة مسألة محمد بن مسلم اشاره کرده که خطيب بغدادی متن كتاب را که یک جزء توصيف کرده (کراسه)، به طريق متصل به حرير بن عبدالله سجستاني در دست داشته است. خطيب بغدادی در ذيل شرح حال حرير بن عبدالله از دی سجستاني نوشته است: «حرير بن عبدالله الأزدي السجستاني؛ شيخ من شيوخ الشيعة. روى عن زرارة بن أعين، و محمد بن مسلم الثقفي. حدث عنه: صفوان، و عبدالله بن عبدالرحمن الأصبم. أنا علي بن أبي علي المعدل، نا أبو بكر أحمد بن عبدالله الدوري^{۲۸}، نا أبو سليمان أحمد بن نصر بن

سعید و يعرف باین هراسته، قدم علینا من نهروان، نا ابراهیم بن اسحاق الأحمری، عن محمد بن الحسن ابن شَمَوْن البصری، عن عبدالله بن عبدالرحمن الأصبم، عن حریر بن عبدالله السجستانی، عن محمد بن مسلم عن اَبی عبدالله جعفر بن محمد و عن القاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، عن جده الحسن بن راشد، عن اَبی نصیر (که باید اَبی بصیر باشد)، عن اَبی عبدالله قال: إن امیر المؤمنین - یعنی علی بن ابیطالب^{۲۹} - علم أصحابه أربع مائة كلمة مما يصلح للمرء فی دینه و دنیاہ و ساق الأبواب کلها فی السنن و الأداب مقدار جزء کامل.» (۱۹۸۵، ج ۱، ص ۴۹۴)

متنی که خطیب بغدادی آغاز آن را نقل کرده، همان متنی است که شیخ صدوق در کتاب *الخصال* خود، روایت کامل آن را آورده، و در دیگر آثار خود، بخش‌هایی از آن را نقل کرده است. این شاهد به صراحت تردیدی را که خدایمان آرنی در باب یکی بودن کتاب *اربع مائة مسألة محمد بن مسلم* با کتاب *أدب امیر المؤمنین* به روایت قاسم بن یحیی راشدی بیان کرده‌اند، منتفی می‌کند. نکته مهم و جالب دیگری که سلسله اسناد نقل کرده خطیب در بر دارد، طریقی است که او ذکر کرده که البته در سنت امامیه و البته بهتر است بگوییم اصحاب فهارس امامیه، مورد توجه نبوده است که دلیل آن نیز مشخص است، افراد مذکور در طریق روایت نسخه، ابراهیم بن اسحاق احمری و محمد بن حسن بن شمون بصری به سستی از جریان‌های فکری خاص امامیه تعلق دارند، و طبیعی است که اصحاب فهارس کتاب را به طرق دیگر بی‌اشکال آن روایت کرده، و در فهارس خود ثبت کرده باشند. در حقیقت، توجه خاص اصحاب فهارس و طریق‌های ارائه شده در دو کتاب *الفهرست شیخ طوسی* و *نجاشی* و بخش *مشیخه من لا یحضره الفقیه* شیخ صدوق، طرق‌های عالی روایت‌های آثار کهن امامیه است؛ هر چند طریق‌های دیگری نیز در روایت آثار مذکور موجود بوده است.

نتیجه گیری

بررسی موردی کتاب *السنن و الاحکام و القضایای عیبدالله بن ابی رافع*، یکی از شیوه‌های تدوین احادیث در سنت امامیه را نشان می‌دهد، در حالی که کتاب *عیبدالله بن ابی رافع*،

اثرى شناخته شده در سنت عام شيعيان بوده، نبود سلسله سندی که نام عبيدالله در آن آمده باشد، علت خاصى دارد. به واقع، نسخه‌اى از كتاب او توسط محمد بن قيس بجلى بر امام باقر عليه السلام عرضه شده و پس از تأييد امام، محمد بن قيس بجلى، اثر مذکور را با حذف نام عبيدالله به نحو مستقيم از امام باقر عليه السلام از امام على عليه السلام روايت کرده است، در حالى که در ميان اهل سنت حذف اسناد به اين نحو موجب تضعيف اثر مى‌شود، در سنت شيعى چنين امرى به اعتبار اثر مى‌افزايد.^{۳۰} احتمالاً به دليل آنکه محدثان امامى به اين عمل واقف بوده‌اند، تحرير اخير را به نسبت خود تحرير عبيدالله بن ابى رافع، صحيح تر مى‌دانسته‌اند، و به همين سبب به نقل از تحرير اخير اکتفا کرده، و از تحرير عبيدالله بن ابى رافع - که نام وى در سلسله سند آن آمده است - نقل نکرده‌اند.

پى‌نوشت‌ها:

۱. در تالیف مقاله حاضر، از درس گفتارهای آیت‌الله سید احمد مددی - دام‌ظله - (جلسه چهاردهم) موجود در مؤسسه کتابشناسی شیعه استفاده شده است؛ هرچند مسئولیت مطالب بیان شده، از نویسنده مقاله است. از دوست گرامی جناب آقای حمید باقری دانشجوی دکتری علوم حدیث دانشگاه تهران نیز که از سر لطف نوشتار حاضر را خوانده و نکاتی را متذکر شدند، صمیمانه تشکر می‌کنم. همچنین این نکته را متذکر می‌شوم که بسیاری از مبانی که در مقاله حاضر، آن‌ها را بدیهی فرض کرده‌ام، توسط برخی از قدما از جمله شیخ حسن صاحب معالم در *منتقى الجمان* و شیخ بهایی در *مشرق الشمسين و اکسير السعادتین* بیان شده است. از عالمان معاصر شیعی نیز، مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی موحد ابطحی - طاب‌ثراه - (خاصه در کتاب *تهذيب المقال فى تنقيح كتاب الرجال*) و آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی - دام‌عزه - این مبانی را در برخی مکتوبات و درس‌های شفاهی خود بیان کرده‌اند.

۲. تفصیل و اهمیت این مسئله در مقاله‌ای جداگانه با عنوان «عالمان امامی و میراث واقفه» مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. از فهرس مهم که قبل از فهرست شیخ طوسی و نجاشی تألیف شده است، فهرست ابن بطه قمی و فهرست ابن عبدون اهمیت خاصی دارند. ابن ماکولا (۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۹۴) نسخه‌ای کهن از فهرست ابن عبدون به خط احمد بن محمد و تار با تاریخ کتابت ۴۱۴ را دیده، و محتمل

۱۲۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

است که اساساً فهرست شیخ طوسی مبتنی بر آن فهرست باشد (خاصه در صورتی که این فرض را بپذیریم که فهرست شیخ در واقع، فهرستی کهن تر است که شیخ تغییراتی در آن اعمال کرده است). برخی نقل قول‌های شیخ طوسی از فهرست ابن عبدون، سبک و سیاق اصلی کتاب او را نشان می‌دهد. (برای نمونه ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۸ و ۴۲ / شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳-۱۴، ۲۸۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۸۱، ۳۹۳ و ۴۲۴)

۴. محمد عیسی آل مکباس (۱۴۲۹ق، ص ۱۵۳-۲۱۴) تمام روایات کتاب الحج معاویه را در روایات امامیه بدون توجه به تحریرهای مختلف و تفاوت نسخه‌های آن، گردآوری و تنظیم کرده است. وجود تحریرهای متفاوت از آثار در سده‌های نخستین که عموماً نشئت گرفته از تفاوت نسخه‌های متن تدوین شده توسط شاگردان و یا شاگردان شاگردان آن‌ها بوده است، به تفصیل توسط کنراد (Conrad, 1993, p. 258-263) درباره سیره ابن اسحاق مورد بحث قرار گرفته است. لندو تاسرون (Ella Landau-Tasseron) نیز از اهمیت تفاوت نسخه‌ها و نقش شاگردان به نحو عام‌تری سخن گفته است. (2004, p. 45-91) موضوع شکل‌گیری تصانیف در قرون اولیه اسلامی توسط شوئلر با دقت کاملی در دانش‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. (Schoeler, 2009) ر.ک: ۵. نجاشی درباره برخی از آثار کهن امامی به کثرت طرق آن‌ها در میان اصحاب اشاره کرده، و گاه متذکر شده که وی تنها از میان طرق مختلف تنها یک طریق را که به نظر وی، معتبرترین طریق از میان طرق مذکور بوده، نقل کرده است. (۱۴۰۷ق، ص ۴۹، ۶۱، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۵۹، ۲۱۵ و ۲۲۲) تعدد طرق‌ها عموماً درباره متن‌هایی بوده که میان اصحاب، تداول گسترده‌ای داشته‌اند و طبعاً طرق‌های مختلف اعتبار یکسانی نداشته‌اند، و در سلسله سند آن‌ها عموماً رجالی که تضعیف شمرده شده و به جریان‌های خاصی در میان اصحاب شهرت داشته‌اند، بوده‌اند که فهرست‌نویسان از ذکر آن‌ها خودداری می‌کرده‌اند. نمونه‌ای مهم از این طریق ضعیف در روایت متنی موثق، طریق روایت کتاب اربعمائه مسأله فی ابواب الحلال و الحرام محمد بن مسلم است که نسخه‌ای با طریق خاص از آن در اختیار خطیب بغدادی (۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۹۴) بوده، اما به دلیل وجود نام برخی روات ضعیف امامی هیچ‌گاه از آن طریق در متون بعدی امامیه، مطلبی نقل نشده است.

۶. درباره او ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۱۵-۲۱۶ / نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۷. درباره او ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۵ / نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۲.

۸. درباره او ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۷۲-۳۷۳.

عبيدالله بن ابی‌رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۲۱

۹. درباره او ر.ک: ابن ماکولا، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴ (که نسخه‌ای از فهرست ابن عبدون را به خط احمد بن محمد غزال مشهور به ابن وتار، متوفی ۴۲۹، با تاریخ کتابت ۴۱۴ و در توصیف آن گفته: «و رأیت له فهرستاً بخط أحمد بن محمد الوتار بما سمعه و هو شیء كثير...».) (نجاشی، ۴۰۷ق، ص ۸۷)

۱۰. با این حال، بر اساس روایات دیگری که گفته شده علی علیه السلام پس از درگذشت ابورافع، عهده‌دار سرپرستی فرزندان وی شده است (برای برخی منابع کهن خبر مذکور ر.ک: Modarresi, vol.1, p.22, no.83) و تا هنگام سن بلوغ زکات اموال آن‌ها را پرداخت می‌کرده، تاریخ تولد عبيدالله پیش‌تر از زمان مذکور باید باشد. (همان، ج ۱، ص ۲۳) آشفتگی و تناقض میان اخبار به گونه‌ای نیست که بتوان در این خصوص به نظر روشنی رسید. (ر.ک: شوشتری، ۱۴۱۰-۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲) با این حال، نکته مهمی که در این میان از نظرها دور مانده است، عقیده متداول در میان فقیهان امامی است که از دیرباز تأکید کرده‌اند که یکی از شروط پرداخت زکات، بلوغ است و بر این اساس، روایاتی که در آن‌ها ادعا شده امام زکات اموال آن‌ها را تا هنگام بلوغ پرداخت می‌کرده، احتمالاً از ساخته‌های عثمانیه برای تخریب شخصیت امام علی علیه السلام بوده است.

۱۱. درباره تاریخ درگذشت ابورافع، در منابع اختلافاتی به چشم می‌خورد. ابن سعد (۴۰۵ق، ج ۴، ص ۷۵) بدون اشاره به تاریخ دقیقی، تنها از درگذشت ابورافع در مدینه، پس از قتل عثمان یعنی سال ۳۵ سخن گفته است.

۱۲. ابن قتیبه (۱۹۸۱م، ص ۱۴۵) نقل کرده که در دوران امارت عمرو بن سعید بن عاص، عبيدالله در پاسخ به پرسش والی اموی مدینه که از او پرسیده بود مولی کیست، پاسخ داده بود که مولی رسول الله است و والی دستور داد تا عبيدالله را شلاق بزنند و پس از تحمل یکصد ضربه شلاق به شفاعت برادرش او را رها کردند.

۱۳. شیخ طوسی از نواده عبيدالله با عنوان موالی یاد کرده که اشاره به ولای او نسبت به اهل بیت علیهم السلام است.

۱۴. به احتمال قوی، کتاب *القضایای ابراهیم بن هاشم قمی*، در اصل، مبتنی بر بخش اخیر کتاب عبيدالله بن ابی‌رافع بوده است. (ر.ک: نجاشی، ۴۰۷ق، ص ۱۶) همین احتمال درباره کتاب *قضایای امیرالمؤمنین عبدالله بن احمد بن عامر طائی* نیز قابل طرح است. (ر.ک: همان، ص ۲۲۹) با این حال، به دلیل عدم نقل از آثار مذکور در کتب اربعه، امکان بررسی احتمال مذکور عملی نیست.

۱۲۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

همچنین ر.ک: حسینی جلالی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۸ (و قد روی هذا الكتاب جمع من أصحاب الامام علیه السلام، تارة بعنوانه العام، و اخرى بعنوان باب من أبوابه).

۱۵. درباره وی ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۵۸.

۱۶. نسخه‌ای از کتاب اخیر در اختیار خطیب بغدادی (۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۹۶) نیز بوده و نقلی از آن آورده است. اهمیت نقل‌های اخیر در نشان دادن سبک کتاب *التاریخ ابن عقده* است. احتمالاً چند نقل قول آمده در ذیل شرح حال ابان بن تغلب که با همان سلسله اسناد از ابن عقده توسط نجاشی نقل شده، از اثر مذکور باشد. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۱)

۱۷. محمد، فرزند ابورافع، نیز عالم و محدث ناموری بوده و راوی مهم آثار پدرش است. وی از امام باقر علیه السلام و کسان دیگری نقل روایت کرده است. (مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۶) نام وی، گاه در طریق روایت پدرش به صورت محمد بن عبیدالله بن علی بن ابی‌رافع آمده که نتیجه خلط میان او و عبدالله بن علی بن ابی‌رافع است که خطای رایج بوده است. (مغربی تمیمی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۱۶ / طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۷ / Modarresi, v.1, p.28-29) محمد دفتری حدیثی داشته که روایاتی به نقل از آن در دست است. (برای فهرست نقل‌های مذکور ر.ک: Modarresi, vol.1, p.349-350) دفتر حدیثی او در میان شیعیان کوفه تداول داشته و نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۳۵۳) طریق روایت نسخه مذکور را به نقل از مشیخه هارون بن موسی تلعبری (متوفی ۳۸۵ ق) نقل کرده است. وی در مدینه ساکن بود و در سال ۱۵۷ درگذشت. (شیخ طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۸۷) در منابع رجالی اهل سنت، عموماً به دلیل گرایش‌های شیعی از او خرده گرفته شده و مورد جرح قرار گرفته است. (برای مثال ر.ک: ابن عدی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۲۱۲۶-۲۱۲۵ / مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۸-۳۷) از نوادگان عبیدالله بن ابی‌رافع، معاویه بن عبدالله بن عبیدالله مدنی، از مشایخ ابن سعد بوده که مطالبی را به نقل از وی روایت کرده است. (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۳، ۴۹۴ و ۵۰۴؛ ج ۵، ص ۱۱۱؛ ج ۸، ص ۳۴، ۱۷۳ و ۱۹۲) شیخ طوسی (۱۴۱۵ق، ص ۳۰۳) همچنین از معاویه در ضمن اصحاب امام صادق علیه السلام یاد کرده است.

۱۸. مدرسی (v.1, p.27) اشاره دارد که روایت مذکور در اصل به نقل از علی علیه السلام است، اما بنا به قاعده‌ای که در میان اهل سنت وجود دارد، آن‌ها روایت صحابی را تقریر قول و فعل پیامبر می‌دانند. از این رو، گاه اقوال صحابه را به خود پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب می‌کرده‌اند و بر همین اساس، احتمالاً راویان بعدی خبر مذکور را به جای امام علی علیه السلام به پیامبر نسبت داده‌اند. (شافعی،

۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۸ / نیز طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۴)

عبيدالله بن ابى رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۲۳

۱۹. در سلسله اسناد تحرير اخير، نام عمر بن محمد بن عمر بن على بن حسين ذكر شده است. نجاشى (۱۴۰۷ق، ص ۲۸) در شرح حال اسماعيل بن حكم رافعى كه او را از نوادگان ابورافع معرفى کرده، گفته كه او كتابى داشته و سلسله اسناد خود در نقل اثر مذكور را نقل کرده است. هرچند نقلى از متن اخير در دست نيست و نجاشى، آغاز اثر مذكور را هم نياورده، اما سلسله اسناد روايت متن، همان سلسله اسناد روايت خبر مفصلى درباره ابورافع است كه نجاشى (۱۴۰۷ق، ص ۶۴) درباره ابورافع نقل کرده است. احتمال فراوانى وجود دارد كه اثر مذكور، تحريرى ديگر از كتاب السنن والاحكام والقضايا ابورافع به همراه مطالبى تكمىلى توسط اسماعيل بن حكم رافعى بوده باشد.

۲۰. براى نقل هاى احتمالى از كتاب عبيدالله بن ابى رافع ر.ك: Modarresi, v.1, p.29-32. فاطمیان، كتابخانه‌اى مفصل داشته‌اند و اکنون بر اساس كتاب الايضاح مى‌دانيم كه منابع زىدى و امامى در اختيار قاضى نعمان بوده كه بايد آن منابع را از همان كتابخانه فاطمیان اخذ کرده باشد. (ر.ك: أمين فؤاد سيد، ۱۴۱۹ق، ص ۷-۳۲)

۲۱. كتاب شرح الاحكام ابوالعباس حسنى در دست نيست، و نقل هاى اخير در اثر شاگردش على بن بلال املی (متوفى قرن پنجم) كه او نيز كتابى با عنوان شرح الاحكام تأليف کرده، آمده است. ر.ك: عجرى، ۱۴۲۳ق، ص ۴۴-۴۵، ۱۵۱ (با تفاوت اندكى در سلسله سند)، ۳۳۸، ۳۵۶ (با تفاوتى در سلسله سند)، ۳۷۱، ۳۷۲ (روايت اخير از كتاب القضاء عباد بن يعقوب رواجنى است كه مبتنى بر كتاب عبيدالله بن ابى رافع بوده است) و ۴۱۳. روايات اخير در فهرستى كه مدرسى از روايات موجود كتاب عبيدالله بن ابى رافع آورده، نيامده است.

۲۲. در فهرست احتمالى كه مدرسى از منقولات كتاب اخير ارائه کرده، به جز سه نقل آن هم در كتاب هاى غير از كتب اربعه، نام هيچ يك از منابع و مصادر معتبر حدیثى شيعه به چشم نمى‌خورد.

۲۳. اثر ديگر مشهور عبيدالله بن ابى رافع، كتاب تسميه من شهد مع على حروبه من المهاجرين و الانصار است (براى نام هاى مشابه كتاب با اختلافات اندكى ر.ك: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق، ص ۷۷/ 32، vol.1, p.32 Modarresi) كه در آن عبيدالله، فهرستى از صحبايى كه همراه با على عليه السلام در سه نبرد جمل، صفين و نهروان حضور داشته‌اند، ارائه کرده است. (براى بحثى درباره كتاب تسميه بنگريد به: Amikam, 2002, p. 272-273) مغربى (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۶-۳۲) متن كامل اثر مذكور را در كتاب شرح الاخبار خود به صورت وجاده نقل کرده است. او اثر مذكور را به صورت وجاده و به روايت ابوعبدالله محمد بن سلام بن سيار كوفى كه عالم زىدى بوده بدون

۱۲۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

ذکر کامل سند نقل کرده است. (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۶) در تحریر مورد استفاده قاضی نعمان، عون بن عبدالله بن ابی رافع از پدرش درباره نام کسانی که همراه علی علیه السلام در نبردهایش بوده‌اند، پرسش کرده است و احتمالاً متن نیز توسط عون یا راوی که اثر مذکور را از وی روایت کرده، یعنی محمد بن عبدالله بن ابی رافع تدوین شده باشد (ر.ک: طبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۷۳ و ۲۷۶) این احتمال نیز هست که اثر مذکور تدوین دیگری نیز داشته که محمد بن عبدالله بن ابی رافع بعدها آن را تدوین کرده باشد، و خود، مطالب بیشتری را که از پدرش در خصوص مطالب مذکور شنیده، تألیف کرده و نسخه مذکور تحریر دیگری از متن باشد که طبرانی (همان، ج ۴، ص ۱۴، ۳۰، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۳ و ۲۱۷؛ ج ۵، ص ۳۵، ۶۰، ۶۹ و ۲۲۵) نوشته مذکور را در اختیار داشته و مطالبی از آن نقل کرده است (نیز ابن کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۵۲۷ که مطلبی به واسطه طبرانی نقل کرده، اما در سلسله سند او نام محمد بن عبدالله بن ابی رافع افتاده است. مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۳۴۸) ابن عساکر (۱۴۱۵-۱۴۲۱ق، ج ۴۵، ص ۵۰۳) کتاب مذکور را به طریق کتاب و به چند طریق از ابوالغنائم محمد بن علی نرسی و طریق وی، عبدالله بن ابی رافع نقل کرده است. ظاهراً اثر مذکور در اختیار ابن اثیر بوده و وی در کتاب *اسد الغابة* با عناوین مختلفی از اثر مذکور نقل قول کرده؛ هرچند احتمال دارد که نقل قول وی از کتاب مذکور به واسطه و شاید به واسطه نقل‌های آمده از کتاب مذکور در کتاب *المعجم الکبیر طبرانی* یا منبعی دیگر باشد. (ر.ک: Modarresi, v.1, p.32) ظاهراً متن در بعد توسط برخی روایت کتاب تکمیل شده باشد. (ابن عساکر، ۱۴۱۵-۱۴۲۱ق، ج ۴۵، ص ۵۰۲ / Modarresi, v.1, p.32)

۲۴. شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق) تحریر کتاب به روایت عبدالرحمن بن ابی نجران از عاصم بن حمید از محمد بن قیس را در اختیار داشته و در روایات چندی از اثر مذکور را در کتاب *من لا یحضره الفقیه* نقل کرده است که موارد آنها چنین است: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴ (درباره پایان ماه رمضان با رؤیت هلال) و ۱۶۸-۱۶۹ (دو روایت دیگر در همان موضوع)؛ ج ۳، ص ۱۹، ۵۰ (عدم پذیرش شهادت برخی افراد)، ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۴، ۱۴۰ (درباره کنیز باردار)؛ ۲۲۲-۲۲۳ (فروش فرزندان کنیز)؛ ۲۲۸، ۲۸۳ (دو روایت)، ۳۱۲، ۴۲۵-۴۲۶ (سه روایت)، ۵۱۰-۵۱۱، ۵۴۴؛ ج ۴، ص ۲۴، ۶۳، ۱۳۳، ۱۷۲-۱۷۳ (دو روایت)، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۱۰، ۲۱۶، ۳۰۷ و ۳۴۲. کتاب *قضایای محمد بن قیس* مشتمل بر اضافاتی بوده که محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام سماع کرده است. در خصوص موارد اخیر ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۸۳، ۳۰۸، ۴۱۴، ۴۲۰ و ۵۴۸؛ ج ۴، ص ۳۸، ۱۲۰، ۲۲۷، ۳۱۸، ۳۲۷-۳۲۸ و ۳۳۶.

عبيدالله بن ابى رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۲۵

۲۵. در کتاب کافی، روایات‌هایی از کتاب بجلی آمده که به دو دسته قابل تقسیم است. بخش اعظم روایات نقل شده از کتاب مذکور با این آغاز است: «... و روی محمد بن قیس عن أبی جعفر علیه السلام قال، قضی امیر المؤمنین...» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۳۰ و ۴۸۴؛ ج ۶، ص ۱۱۴؛ ج ۷، ص ۱۳، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۷۷، ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۶۴، ۲۸۴، ۲۸۶، ۳۰۷، ۳۱۷، ۳۶۷ و ۴۲۸) و برخی دیگر با عبارت «... محمد بن قیس عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال امیر المؤمنین...» (همان، ج ۵، ص ۱۴۴، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۴۰ و ۲۵۱؛ ج ۶، ص ۱۹۲، ۲۱۴ و ۵۵۲؛ ج ۷، ص ۱۱، ۲۳، ۱۸۳-۱۸۴، ۱۹۱، ۲۱۰، ۲۱۹) روایات‌های مذکور به وضوح باید همان متن کتاب عبيدالله بن ابی رافع باشد.

۲۶. دیگر اثر شناخته شده محمد بن قیس بجلی، کتاب *المسائل* است (Modarresi, v.1, p.347) که به روایت حمید بن عاصم حناط بوده (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳) و مشتمل بر پرسش‌های محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۵، ص ۱۱۳ و ۴۴۳؛ ج ۶، ص ۶۳ و ۱۵۰؛ ج ۷، ص ۱۰/۱ ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۴۸؛ ج ۴، ص ۳۸) نسخه‌ای از کتاب اخیر، به روایت احمد بن حسین خثعمی از عباد بن یعقوب رواجی که وی آن را از عبيد فرزند بجلی روایت کرده، در اختیار قاضی نعمان بوده و از آن نقل قول کرده است (مغربی تمیمی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲۹)؛ هرچند به نظر می‌رسد که نقل اخیر به واقع از کتاب *التضایای محمد بن قیس* باشد و ذکر کتاب *المسائل*، تصحیفی از سوی کاتب یا خطای از سوی قاضی نعمان در ذکر مأخذ خود بوده باشد، زیرا روایت نقل شده درباره نماز است، و به روایت امام علی علیه السلام است. (Madelung, 1976, p.37) ابن بابویه (۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۸۶) در بخش *مشیخة کتاب من لا یحضره الفقیه* خود، طریق خود را در روایات محمد بن قیس بجلی آورده که احتمالاً با توجه به ساختار روایات که بیشتر صورت پرسش و پاسخ یا حالت جواب دادن به پرسشی را دارد، باید برگرفته از کتاب *المسائل* بجلی باشد. روایات چندی از کتاب مذکور در منابع امامیه نیز موجود است. ظاهراً رواجی نیز کتابی به نام *المسائل* داشته (مغربی تمیمی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۴) که در آن، برخی مطالب کتاب *المسائل* محمد بن قیس بجلی را نقل کرده، و قاضی نعمان به واسطه اثر اخیر از کتاب بجلی نقل روایت کرده است.

۲۷. شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۳۸۷) از تألیفات محمد بن قیس به دفتری حدیثی یا اصل اشاره کرده، و طریق خود در روایت اثر مذکور را به واسطه فهرست ابن بَطَّه قمی ذکر کرده است. طریق مشهور دفتر حدیثی محمد بن قیس به روایت ابن ابی عمیر بوده است. (همان‌جا) روایات

مذکور در ضمن کتاب مسند محمد بن قیس البجلی گردآوری شده است. (نیز ر.ک: خوبی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۶۸ و ۴۱۸-۴۱۰) هم عصر محمد بن قیس بجلی، چند محدث دیگر با همین نام شناخته شده‌اند که یکی از آنها یعنی ابونصر محمد بن قیس اسدی والبی از اشراف عرب کوفه بوده، و روابط بسیار نزدیکی با عمر بن عبدالعزیز و پس از او یزید بن عبدالملک داشته است. وی نیز از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل روایت کرده است. وی کتابی به نام *قضایا امیرالمؤمنین* داشته که نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۳۲۳) اثر وی را نزدیک به کتاب *قضایای محمد بن قیس بجلی* دانسته که نشانگر آن است که در صورت صحت انتساب اثر اخیر به والبی، هر دو منبع در تألیف کتاب خود از کتاب عیبالله بن ابی رافع بهره برده‌اند. نجاشی (ص ۳۲۳) از ابوعبدالله محمد بن قیس اسدی دیگری که از موالی بنی نصر بوده، یاد کرده و او را ستوده و مدح کرده است. شیخ طوسی (۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳) از محمد بن قیس اسدی یاد کرده و او را ستوده، اما اثری را به وی نسبت نداده است که با توجه به شهرت کتاب *التضایا* و اهمیت آن، باعث تردید در تألیف کتابی با این عنوان توسط محمد بن قیس اسدی است. نجاشی (همان‌جا) از فردی دیگر به نام ابواحمد محمد بن قیس اسدی یاد کرده، و او را فردی ضعیف خوانده، و گفته که وی از امام باقر علیه السلام نقل روایت کرده، و طریق خود را در نقل دفتر حدیثی وی ذکر کرده است. شیخ طوسی (۱۴۱۵ق، ص ۲۹۳) از چند محمد بن قیس دیگر هم نام برده است که احتمال خلط میان آنها و افراد پیش گفته وجود دارد، و یک تن آنها که شیخ طوسی برای وی کنیه ابوقدومه را ذکر کرده، همان محمد بن قیس والبی است، و احتمالاً دیگر افراد مذکور نیز همان محمد بن قیس والبی باشند (مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۱۸) که به دلیل مبهم بودن منبعی که شیخ طوسی در دست داشته، به همان صورت آمده در منبع او ذکر شده است. اشتباه مشابهی را نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۳۲۲-۳۲۳) مرتکب شده، و محمد بن قیس اسدی را با محمد بن قیس مدینی بر اساس اشتباه منبعی که در اختیار داشته، خلط کرده و مطالب مربوط به شرح حال مدینی را به اسدی نسبت داده است. (Modarresi, v.1, p.346, no.92) مدرسی (Modarresi, v.1, p.346, no.91) معتقد است که عالمان امامی تنها محمد بن قیس بجلی را می‌شناخته و هیچ‌گاه از محمد بن قیس والبی نقل روایت نکرده‌اند. با این حال، روایات محمد بن قیس والبی از امام علی علیه السلام به اسناد سنی بوده و باعث شده تا نجاشی یا منبع او کتاب *قضایا* را به وی نسبت دهند، و در واقع تنها یک کتاب به نام *قضایا امیرالمؤمنین* وجود داشته که تألیف محمد بن قیس بجلی بوده، و بعدها به دلیل خطا در شناخت هویت واقعی او، به خطا کتاب مذکور به محمد بن قیس والبی نیز نسبت

عبيدالله بن ابي رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ۱۲۷

داده شده که نجاشی تصریح دارد دو نسخه مذکور تقریباً یکسان بوده‌اند. آنچه گمان اخیر را تأیید می‌کند، عدم اشاره منابع رجالی اهل سنت به نگارش چنین کتابی توسط محمد بن قیس والبی است. (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۳۶۱/ مزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲۶، ص ۳۱۹)

۲۸. ابوبکر احمد بن عبدالله بن احمد بن جلیین دوری وراق از عالمان امامی ساکن بغداد است. خطیب بغدادی (۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۳۸۶-۳۸۷) شرح حال او را آورده و گفته که او به رفض مشهور بوده است (و کان رافضياً مشهوراً بذلک). او در سال ۲۹۹ به دنیا آمده و در رمضان ۳۷۹ در گذشته است. وی از مشایخ سنی که فهرستی از نام آن‌ها را خطیب بغدادی (همان، ج ۵، ص ۳۸۶) آورده، نیز نقل حدیث کرده است. شیخ طوسی (۱۴۲۰ق، ص ۷۷) شرح حال او را آورده و تصریح کرده که او امامی بوده و کتابی درباره طرق روایت حدیث رد الشمس داشته است. نام وی در طرق روایات برخی از آثار امامیه خاصه در فهرست ابن عبدون به کرات آمده است.

۲۹. این جمله معترضه، اضافه خطیب بغدادی است. در سنت شیعی، لقب امیرالمؤمنین از القاب خاص علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۳۰. شیخ طوسی (همان، ص ۳۰۸-۳۰۹) در ذیل شرح حال عبید بن محمد بن قیس بجلی آورده که او کتابی داشته که از پدرش روایت می‌کرده است. هرچند شیخ طوسی تصریحی به نام کتاب نکرده، کتاب مورد بحث همان کتاب *القضايا* بوده است. شیخ طوسی (همان، ص ۳۰۸) طریق روایت کتاب مذکور را نقل کرده که در ضمن آن گفته شده که محمد بن قیس بجلی کتاب را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرده و حضرت، این مطلب که مطالب مذکور به روایت امام علی علیه السلام را تأیید کرده‌اند، و عبارت آغازین کتاب در ادامه نقل شده که همان عبارت آغازین کتاب *السنن و الاحکام و القضايا* عبیدالله بن ابي رافع است که نجاشی (۱۴۰۷ق، ص ۶) به آن اشاره کرده است.

منابع

۱. آل مکباس، محمد عیسی؛ «کتاب الحج تصنیف المحدث معاویة بن عمار الدهنی (نسخة مستخرجة)»؛ *علوم الحدیث*، سال یازدهم، رجب- ذی الحججه ۱۴۲۸ق.
۲. همو؛ «کتاب الحج»؛ *علوم الحدیث*، سال دوازدهم، رجب- ذی الحججه ۱۴۲۹ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ صححه و علقه علیہ علی‌اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.

۱۲۸ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

۴. _____؛ *الامالی*؛ تحقیق قسم الدارسات الاسلامیه مؤسسه البعثه (قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ق).

۵. _____؛ *علل الشرايع*؛ چاپ محمدصادق بحر العلوم، نجف: منشورات المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م.

۶. ابن ابی الحديد؛ *شرح نهج البلاغه*؛ چاپ محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: دار احیاء الكتب العربيه، ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷.

۷. ابن سعد؛ *الطبقات الكبرى*؛ تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.

۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم*؛ تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش/۱۴۰۴ق.

۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ *معالم العلماء*؛ نجف: منشورات المطبعة الحيدريه، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م.

۱۰. ابن عساکر؛ *تاریخ مدینه دمشق*؛ تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵-۱۴۲۱ق/۱۹۹۵-۲۰۰۱م.

۱۱. ابن عدی، عبدالله بن عدی؛ *الکامل فی ضعفاء الرجال*؛ تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.

۱۲. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم؛ *المعارف*؛ حقیقه و قدم له ثروت عکاشه، قاهره: دار المعارف، ۱۹۸۱م.

۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر؛ *تفسیر القرآن العظیم*؛ تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.

۱۴. ابن ماکولا، علی بن هبة الله؛ *الاکمال فی رفع الازتیاب عن المؤتلف و المختلف فی الأسماء و الکنی و الأنساب*؛ تحقیق عبدالرحمن بن یحیی معلمی یمانی، حیدرآباد دکن: دار المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م.

۱۵. ایمن فؤاد سید، «خزانة كتب الفاطميين هل بقي منها شيء؟»، *مجله معهد المخطوطات العربيه*، المجلد ۴۲، الجزء الاول، محرم ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.

۱۶. برقی، احمد بن محمد؛ *کتاب الرجال*؛ تحقیق سید کاظم موسوی میاموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.

عبيدالله بن ابي رافع و كتاب السنن والاحكام والقضايا □ ١٢٩

١٧. _____؛ كتاب المحاسن؛ تحقيق سيد جلال الدين محدث ارموى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧٠ / ١٣٣٠ ش.
١٨. حسيني جلالى، سيد محمدرضا؛ تدوين السنه الشريفه؛ قم: مركز النشر التابع لمكتب الإعلام الاسلامى، ١٣٧٦ ش / ١٤١٨ ق.
١٩. حر عاملى، محمد بن حسن؛ وسائل الشيعه؛ تحقيق مؤسسه آل البيت (عليه السلام) لاحياء التراث، قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام) لاحياء التراث، ١٤٠٩-١٤١٢ ق.
٢٠. خطيب بغدادى، احمد بن على؛ تاريخ مدينه السلام و أخبار محدثيها و ذكر قطانها العلماء من غير أهلها و واردتها؛ حققه و ضبط نصه، و علق عليه الدكتور بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الاسلامى، ١٤٢٢ ق / ٢٠٠١ م.
٢١. _____؛ كتاب تلخيص المتشابه فى الرسم و حمايه ما أشكل منه عن بوادر التصحيف و الوهم؛ تحقيق سكينه شهابى، دمشق: طلاسدار للدراسات و الترجمة و النشر، ١٩٨٥ م.
٢٢. خويى، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث؛ بيروت: دار الزهراء، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م.
٢٣. سيد رضى، محمد بن حسين؛ خصائص الائمه عليهم السلام؛ تحقيق محمدهادى امينى، مشهد: آستان قدس رضوى، ١٤٠٦ ق.
٢٤. شوشترى، محمدتقى؛ قاموس الرجال؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٠-١٤٢٤ ق.
٢٥. شافعى، محمد بن ادريس؛ الام؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م.
٢٦. طبرانى، سليمان بن احمد؛ المعجم الكبير؛ تحقيق حمدى عبدالمجيد سلفى، بى جا: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م.
٢٧. طوسى، محمد بن حسن؛ رجال الطوسى؛ چاپ جواد قيومى اصفهانى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٥ ق.
٢٨. _____؛ فهرست كتب الشيعه و اصولهم و اسماء المصنفين و الصحاب الاصول؛ چاپ عبدالعزيز طباطبايى، قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام) لاحياء التراث، ١٤٢٠ ق.
٢٩. _____؛ تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه؛ چاپ حسن موسوى خراسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٠ ق.
٣٠. عجرى، محمد بن حسن؛ إعلام الأعلام بادلته الأحكام؛ أعدده للطبع و قدم له عبدالله بن حمود عزى، صعده: مؤسسه الامام زيد بن على الثقافيه، ١٤٢٣ ق / ٢٠٠٢ م.

- ١٣٠ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ١٣٩١
٣١. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الكافی*؛ تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٥ش.
٣٢. مزی، یوسف بن عبدالرحمن؛ *تهذیب الکنال فی أسماء الرجال*؛ حققه، و ضبط نصه و علق علیه بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢٢ق/ ٢٠٠٢م.
٣٣. مفید، محمد بن محمد؛ *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*؛ سلسله مؤلفات الشیخ المفید، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید لطباعة و النشر و التوزیع، ١٤١٤ق/ ١٩٩٣م.
٣٤. مغربی تمیمی، قاضی نعمان بن محمد؛ *الایضاح*؛ تقدیم و إعداد محمد کاظم رحمتی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٢٨ق/ ٢٠٠٧م.
٣٥. _____؛ *شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الطهار*؛ تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٩ق.
٣٦. نجاشی، احمد بن علی؛ *فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی*؛ تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٧ق.
37. Amikam Elad, "Community of Belivers of 'Holy Men' and 'Saints' or Community of Muslims? The Rise and Development of Early Muslim Historiography" *Journal of Semitic Studies* Xlvii, 1(2002), pp.241-308.
38. Conrad, L. I; "Recovering lost texts: some methodological issues" *Journal of the American Oriental Society* 113 ii, 1993, pp.258-263.
39. Madelung, Wilferd; "The sources of Isma'ili law," *Journal of Near Eastern Studies* 35(1976), pp.29-40.
40. Modarresi, Hossein; *Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early Shiite Literature*; One World, Oxford, 2003.
41. Schoeler, Gregor; *The Genesis of Literature in Islam From the Aural to Read*; Tr., Shawkat M. Toorawa, Edinburgh, Edinburgh University Press, 2009.